



پیروز باد جنبش ظفر نمون مسلحانه ایران  
 حملات برنامه ریزی شده دشمن به سازمان چریکهای  
 فدائی خلق ایران با شکست مواجه شد.  
 ۷۰ نفر از افراد دشمن کشته، و بیش از صد نفر از  
 آنها مجروح شدند.  
 دو قبضه مسلسل و سلاح کمبری ساخت آمریکا و  
 اسرئیل در جریان نبردهای تدافعی بدست چریکها  
 افتاد.

۱۴ تن از چریکهای فدائی خلق ایران به شهادت رسیدند  
 و عده ای از مردم عادی بر اثر شلیک بی رویه و پرتاب نارنجک  
 ناموران پلیس شهید شدند.  
 جعل اسناد، و قلب حقایق کارشناسان سازمان امنیت با رسوائی  
 رو برو شد.

در فاصله روزهای ۲۶ الی ۲۸ اردیبهشت ماه سال جاری دشمن حملات برنامه ریزی شده خود را بر علیه سازمان  
 چریکهای فدائی خلق ایران آغاز کرد. این حملات بدنبال کنترل شبکه تلفنی قسمتی از سازمان و کشف محل چند پایگاه  
 اصلی و پشت جبهه چریکی آغاز گردید.

دشمن قصد داشت به ردگیری های خود ادامه دهد و اطلاعات بیشتری از پایگاههای ما بدست آورد، ولیکن هوشیاری  
 رفقا دشمن را وادار به حمله زودرس کرد و از طرف دیگر قاطعیت و رزقندی رفقای که پایگاههایشان مورد محاصره و حمله  
 دشمن قرار گرفته بود، دشمن را بر اجرای برنامه وسیع و سنگین خود با شکست کامل مواجه ساخت. دشمن قصد داشت به  
 انبارها و اسناد ما دست یابد. ولیکن با اسناد سوخته و سلاحهای از دور خارج شده مواجه گردید. به همین لحاظ نیز دست  
 به جعل اسناد زد و عکسچند سلاح را در روزهای مختلف از زوایای گوناگون بعنوان وسایل تازه در روزنامه مشابه چاپ رسانید  
 حملات دشمن بدنبال محاصره بسیار شدید پایگاه تهران نو آغاز شد. در پایگاه تهران نو که یکی از پایگاههای پشت  
 جبهه سازمان بشمار می رفت تنی چند از رفقا از جمله دو رفیق خردسال ناصر شایگان شام اسبی ۱۱ ساله و ارزنگ شایگان  
 شام اسبی ۱۳ ساله زندگی می کردند و به کارهای تولیدی اشتغال داشتند. در هنگام حمله دشمن فقط نیمی از رفقا مسلح  
 بودند. به همین لحاظ نیز امکان برخورد نظامی با دشمن زیاد نبود. با این همه رفقا اسناد موجود در پایگاه را به آتش  
 کشیدند و با سلاحهای موجود از دو جناح حملات خود را برای شکستن خطوط فشارده محاصره دشمن آغاز کردند. دشمن  
 که با قریب ۵۰۰ مأمور ویژه مسلح به مسلسلهای یوزی اسرائیلی و نارنجکهای آمریکائی پایگاه را محاصره کرده بود. پایگاه را  
 شدیداً زیر آتش گرفته و لحظه ای حملات خود را قطع نمی کرد. در چنین شرایطی تعدادی از رفقا از پایگاه خارج شده و در  
 جریان یک نبرد خسته کننده به خانم کوجه به کویه راه خود را پاك کرده و پس از کشتن بیش از ۲۰ مأمور دشمن و مجروح ساختن  
 تعدادی از آنان حلقه محاصره را در نزدیکی صیل شرتی خیابان سینوری نارنگ شکسته، و از محاصره خارج شدند.  
 از آن پس مأموران دشمن جرات نپیکرد بخود نداده و رفتا با امانت گرفتن یک اتوبوس بیکان از یک مأمور سازمان منطقه بسیار ج  
 شدند. رفقا پس از نیم ساعت در نزدیکی همان میدان محسنی با ایست اتوبوس گشتی پلیس فرماندهی سرهنگ شهبانسی

فرداد مواجه می شوند و بلافاصله قبل از آنکه افراد مسلح گشتی بتوانند تگانی بخورد بدهند یا شلیک مسلسل تداوم آنها را می کنند و براه خود ادامه می دهند و خود را به یک پایگاه دیگر می رسانند .

صبح روز یکشنبه مظن محاصره پایگاه تهران نو پایگاه پشت جبهه دیگری واقع در کون کن که در ارتباط تلفنی با پایگاه تهران نو بوده است محاصره شده و بخلت کجود وسایل جنگی اکثر رفا شهید شده و اسکان خروج از محاصره را پیسند نمی کنند . مسئولیت این پایگاه با رفیق شهید چریک فدائی خلق عزت غروی بود . رفیق غروی که زنی ۵۰ ساله بود و در سازمان ما به " رفیق مادر " شهرت داشت ، فقط مسلح به یک نارنجک بود ، او در هنگام مواجه شدن با دشمن با نارنجک به سمت آنها حمله می کند و پس از از پای انداختن تنی چند از افراد دشمن با شلیک مسلسلهای افراد دشمن به شهادت می رسد . سایر رفا نیز که اکثرا وسیلهای نداشتند با نارنجکهای دست ساز و دو قبضه سلاح به دشمن حمله کرده ، و پس از کشتن و از پای درآوردن عدای از مأمورین در صحنه نبرد جان خود را در پیشگاه انقلاب خلق فدا می کنند .

بدنمال این درگیری ها بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۶ اردیبهشت نقرات تازه نفس دشمن که نزدیک ۵۰ نفر می شد مانند پایگاه دیگری را در کویچه نیازی حد فاصل خیابانهای شارق و قاسم آباد تحت محاصره قرار می دهند و بدون هیچ اغظار قبلی پایگاه را با پرتاب نارنجک و شلیک مسلسل مورد حمله قرار می دهند . رفا موجود در این پایگاه که چهار رفیق ( دو دختر و دو پسر ) بودند بلافاصله طرح دفاعی پایگاه را اجرا کرده و پس از به آتش کشیدن اسناد موجود در پایگاه با دو قبضه مسلسل و یک سلاح کمری ( یک از رفا غیر مسلح بوده است ) به دشمن حمله کرده ، و پس از عقب زدن مأموران دشمن خط اول محاصره را شکسته و به سمت شمال شرقی پیشروی می کنند ولی با خطوط دیگری از مأموران مواجه می شوند . رفا در این شرایط با همکاری صمیمانه مردم زحمتکش و راهنمایی آنها خانه به خانه و کویچه به کویچه خطوط محاصره را پشت سر می گذارند و در چند نقطه نیز با مأموران درگیر می شوند که آنها را عقب رانده و راه خود را می گشایند . در یکی از آخرین کویچه های شمالی پایگاه " کویچه امیر حسینی " با یکی از مأموران ویژه گارد شهرستانی از نزدیک مواجه می شوند که او را از پای در آورده و پس از تصاحب سلاح آمریکائی این مأمور ویژه به سمت تقاطع امیر حسینی با شارق پیشروی می کنند . در این تقاطع با حمله به مأموران در آخرین خط محاصره آنها را وادار به عقب نشینی در جهت کویچه های غربی شارق می کنند و راه خود را می گشایند در همین حال سه تن از افراد ویژه گارد شهرستانی با رفا می مواجه می شوند که قدرت مقابله را از دست داده و با تضرع از رفا می خواهند که آنها را نکشند . رفا که با مأموران جز دشمن خصوصت خاصی نداشتند ، به آنها امان می دهند و این سه تن روان روان خود را در پیچ کویچه های غربی شارق از دید پنهان می کنند . از آن پس رفا وارد صفوف مردم می شوند که در خارج از خط محاصره شامه نبرد رزمندگان خود بودند . در این حال رفا سلاجهایشان را بر سر دست گرفتند و با فریاد " مرگ بر شاه " و " مرگ بر دشمنان مردم " به سمت میدان صابر و از آنجا به سمت نظام آباد حرکت می کنند و فریاد رزمندگی و حق طلبی خود را به گوش مردم می رسانند . در ۴ متری شمالی میدان صابر رفا با یک اتومبیل بیگان سلسواز مأموران شهرستانی مواجه می شوند و چون آنها را آماده مقابله می بینند به آنها یورش می بردند و با شلیک مسلسل تداوم آنها را از پای در می آورند و پس از مصادره یک قبضه مسلسل یوزی ساخت اسرائیل به پیشروی خود به سمت نظام آباد ادامه می دهند . در تقاطع شارق و نظام آباد گشتی دیگری به سرنشینی پلیس مسلح راه را بر رفا می بندند . رفا بدون عقب نشینی به پیشروی خود ادامه می دهند و تنها با شلیک یک رگبار کوتاه مأموران را فراری می دهند بطوریکه مأموران اتومبیل پلیس را بطور آماده و روشن تحویل رفا می دهند . پس از آن رفا اتومبیل نمره سبز پلیس را که آرم شهرستانی بر بدنه آن منقوش بوده است در مقابل دیدگان صدها نفر از مردم زحمتکش و در میان شادی آنها تصاحب می کنند و هنگامی سلامت از منطقه خارج شده و خود را به پایگاههای دیگر می رسانند .

بدنمال این حوادث در باطاد سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه چند پایگاه شهرستانی که در ارتباط تلفنی با پایگاههای کشفه تهران بودند و از این طریق دشمن به محل آنها می برد ، مورد محاصره قرار می گیرند . این پایگاهها که عمدتاً پایگاه نفوذی بودند با وسایل نظامی اندک و نارنجکهای دست ساز تجهیز بودند . با اینهمه رفا فدائی ما با دلاوری بیمانندی با دشمن مبارزه می کنند و علیرغم اغظارهای دشمن که خود را تسلیم کنند همچنان به نبرد ادامه می دهند . تصاویری

که از صحنه های نبرد شهرستانها در صفحات جراید رژیم بچاپ رسیده همگی گویای مبارزه بی امان و ناپای جان رزمندهای ماست. در این درگیریها رفتاری درون پایگاهها تمام اسناد و مدارک را به آتش می کشند و پس از آن تا آخرین فشنگ پهنبرد خود را به خود ادا می دهند. در این درگیری ها عده ای از رفتاری با سلامت خود را از خطوط محاصره دشمن خارج کرده و به سایر پایگاهها می روند. طبق گزارشات داخلی دستگاه شهرستانی و سازمان امنیت در این درگیری ها تلفات شدیدی به مسأله دوران دشمن وارد آمده است. ضمناً بر اثر تیراندازهای بی رویه و وحشیانه مأموران خود ساخته دشمن تعدادی از مردم عریض مورد اصابت گلوله قرار گرفته و به شهادت می رسند. مانعای این افراد را جزو شهدای خلق بحساب می آوریم چرا که آنها نیز سینههایشان با گلوله های اسرائیلی و نارنجکهای آمریکائی شکافته شده است و قربانیان جنایات دولت شاه روز هستند.

- ۱ - افسران پلیس، گارد و سازمان امنیت ۱۰ نفر
- ۲ - درجه داران پلیس و گارد شهرستانی ۳۰ نفر
- ۳ - سربازان ویژه گارد شهرستانی ۳۰ نفر

در این گزارش تمداد مجروحین دشمن ذکر نشده است ولی با توجه به تعداد کشته شدگان تصویری رویداد مجروحین به مراتب بیشتر بود. این تلفات شدید روحیه افراد دشمن را بشدت پائین آورده است. و به همین منظور شخص شاه مجبور شد تا صانع گزافی بعنوان پول خون به خانواده های کشته شدگان مزدور بدد و همچنین آنها را مورد استمال و دلجوئی قرار دهد تا بلکه روحیه خراب مأموران تا حدی بهبود یابد.

بدنیال این جریانات، کارشناسان سازمان امنیت برای سرپوش گذاشتن بر شکست پرتابه عریض و طویل رژیم و همچنین به منظور تحریف حقایق، چند نامه جعلی را در جریان عصر تهران بنام سازمان مابچاپ رسانده اند. و با اصطلاح پرده از اسرار مابرداشته اند. اینها که تا پار سال ما را به عراق وابسته می کردند اصلاً که روابطشان با عراقی خوب شد و با وابسته به جای دیگر معرفی می کنند و می گویند با جعل سند و دروغ بانی افکار عمومی را فریب می دهند.

البته آنهاست که تا حدی به کار سیاسی و در موز روابط تشکیلاتی آگاهند، جعلی بودن این نامه ها را در نگاه اول متوجه می شوند. ولی برای روشن تر شدن بیشتر موضوع ما فقط به یک خطای کوچک! کارشناسان سازمان امنیت که مفت آنها را باز کرده و در سوابقشان ساخته است، اشاره می کنیم. کارشناسان امنیتی و تبلیغاتی دولت فاسد شاه، در جعل این نامه ها بیشترین تلاشی خود را بکار برده اند تا آنها را هرچه واقعی تر! تنظیم کنند تا مورد قبول مردم واقع شود. ولی آنها که با ادبیات و فرهنگ مائونیستهایکمانند، در اینکار خود موفق نبوده اند. چرا که در یک جای نامه عبارت "دوست شهید نوروزی" را بکار برده اند. کسانی که با فرهنگ مائونیستهای ایران آشنائی دارند بخوبی می دانند که ما یاران خود را همیشه و بطور مطلق بسا واژه "رفیق" خطاب می کنیم و هرگز رشتایمان را با واژه "دوست" مورد خطاب قرار نمی دهیم. ولی مأموران تبلیغاتی و تنظیم کنندگان نامه جعلی که فرق میان این دو را نمی دانند دچار اشتباهی کوچک! شده و خود را رسوا ساخته اند.

از طرف دیگر این خود بافتگان مزدور باتیتر درشت در روزنامه ها از اعتراافات تکان دهنده! ؟ چریکها سخن می گویند ولی هنگام ارائه سند و مدرک به جعلیات بی محتوی که دروغ بود نشان بر همگان واضح است روزی آورند و بیش از پیش خود را رسوا می کنند. آنها به این طریق نه تنها با زبان بی زبانی می رسانند بلکه حثانیت ما را و حثانیت راه ما را به عده بیشتری از مردم ایران ثابت می کنند.

در مورد ارتباط سازمان ما با انقلابیون سراسر جهان نیز باید بگوئیم که حقیقتی مسلم است و سازمان ما هم اکنون در پیشاپیش جنبش نوجوان خلق ایران مورد اعترا م و تأیید جنبش های آزادی بخش در منطقه خاور میانه و سراسر جهان قرار دارد. نمونه کویک آن نیز پیامهای تهنیت سازمانهای آزاد و بخش منطقه خاور میانه است که هر سال به مناسبت ۱۹ بهمن سالگرد رستاخیز سیاغلیک، نقده آغاز جنبش نوجوان خلق ایران، به دست سازمان ما ارسال می شود. اساساً ارتباط و همبستگی ما با نیروهای انقلابی منطقه خاور میانه امری پنهانی نبوده و پیامهای سازمانهای انقلابی منطقه به سازمان ما همه ساله در نشریه "نبرد خلق" ۲۳ گانه سیاسی سازمان ما انتشار می یابد.